

یاران روحانی با تقدیم تحیات امنع ابھی
برنامه ای که تحت عنوان "گوهر یکتا" تهیه گردیده است، قصد دارد به مناسبت یوم صعود
حضرت ولی محبوب امرالله، مروری بر حیات ارزشمند مبارک داشته و ما را تا حدودی با
خدمات هیکل مبارک در طول ۳۶ سال قیادت جامعه بهائی، آشنا نماید.
امید آنکه تأمل بر حیات مبارک ولی امر بهائی و خدماتشان، بیش از قبل ما را بر وفای به
عهد، ثابتتر نماید

جانان خوش باد

آمدی خوش دوش در خواب من مشتاق مست حبّدا آن خواب نوشین، خرم آن رویای من

نرم نرمک در کنارم آمدی، گفتمی به ناز غم مخور، ای عاشق سرمست بی پروای من

گر قفس بشکست و از این خاکدان پرواز کرد ز آسمان شهپر گشاید این زمان عنقای من

گوهری نایاب بودم، لیک پنهان در صدف بی صدف تابنده تر شد، لوء لوء لالای من

بحر پر گهر ص ۱۳

عنوان: گوهر یکتا

قسمت روحانی

۱. مناجات شروع (به انتخاب جمع)

۲. لوح مبارک حضرت بهالله

۳. قسمتهایی از الواح مبارکه وصایا

قسمت اداری

۴. قسمتی از بیانات مبارکه حضرت ولی امرالله

۵. قسمتی از بیانات بیت العدل اعظم

۶. زندگی حضرت شوقی افندی

۷. بحران و پیروزی

۸. هدایت‌ها و ترجمه‌ها

۹. اقدامات و فعالیت‌های حضرت شوقی ربانی (قسمت اول)

۱۰. اقدامات و فعالیت‌های حضرت شوقی ربانی (قسمت دوم)

۱۱. مراسم تشییع رمس مبارک، به قلم ایادی امرالله یوگو جیاگری

۱۲. برنامه نوجوانان و نونهالان عزیز

قسمت اجتماعی

۱۳. انس و الفت

۱۴. مناجات خاتمه

۲- لوح مبارک حضرت بهاء الله

هُوَ الْحَيُّ

شجره عَما در حرکت است و سدره وفا، در بهجت. تا دوحه بقا در ارض احدیه مغروس شود و ورقه نورا، از فُنون لقاء به ورقاء، مقرون گردد که شاید از مؤانست این دو لطیفه ربّانی و دو دقیقه صمدانی، طلعت ثالثی پیدا شود تا نتیجه (فَعَزَّزْنَا بِنَالِثٍ)، در عرصه ظهور مشهود آید و السّلام.

ادعیه حضرت محبوب ص ۲۹۸

۳- قسمتهایی از الواح مبارکه وصایا

حضرت عبدالبهاء میفرمایند:

ای یاران مهربان، بعد از مفقودی این مظلوم باید اغصان و افنان سدره مبارکه و ایادی امر الله و احبّای جمال ابهی، توجه به فرع دو سدره که از دو شجره مقدسه مبارکه، انبات شده و از اقتران دو فرع دوحه رحمانیه بوجود آمده، یعنی (شوقی افندی) نمایند زیرا آیت الله و غصن ممتاز و ولی امر الله و مرجع جمیع اغصان و افنان و ایادی امر الله و احباء الله است و مبین آیات الله ...

ای یاران با وفای عبدالبهاء، باید فرع دو شجره مبارکه و ثمره دو سدره رحمانیه، شوقی افندی را نهایت مواظبت نمائید که غبار کدر و حزنی، بر خاطر نورانش ننشیند و روز به روز فرح و سرور و روحانیتش زیاده گردد تا شجره بارور شود. زیرا اوست ولی امر الله، بعد از عبدالبهاء و جمیع افنان و ایادی و احبّای الهی باید اطاعت او نمایند و توجه به او کنند. مَنْ عَصَى امْرَهُ فَقَدْ عَصَى اللّٰهَ وَمَنْ اَعْرَضَ عَنْهُ فَقَدْ اَعْرَضَ عَنِ اللّٰهِ وَمَنْ اَنْكَرَهُ فَقَدْ اَنْكَرَ الْحَقَّ. این کلمات را مبادا کسی تأویل نماید و مانند بعد از صعود، هر ناقص ناگشی بهانه ای کند و علم مخالفت بر افرازد و خود رأیی کند و باب اجتهاد، باز نماید. نفسی را حق رأی و اعتقاد مخصوصی نه و باید کل، اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند. و ما عدا هما کلّ مخالف فی ضلال مبین.

۴- قسمتی از بیانات مبارکه حضرت ولی امرالله

رجای اخیرم آن است که در مراسلات و مذاکرات، احبای الهی جزبه شوقی افندی مرا مخاطب ن سازند. فخر و مباهات این عبد به این نام است و بس چه که از فَمَّ اطهر صادر می گشت و در نظرم از هر گونه اسم و لقبی، عزیزتر و شیرین تر و شریفتر است و همچنین احترامات فائقه و تعظیم و تکریم از هر قبیل، مخالف و مباین حال و تمنای این عبد است. نظر برادرانه نمایند و این نظر را در اعمال و اقوالشان، نسبت به این فانی، ابراز و اظهار نمایند.

بحر پر گهر ص ۳۷

۵- قسمتی از بیانات بیت العدل اعظم

حضرت ولی امرالله پس از مشورت های مقدماتی با وجوه برگزیده اهل بهاء، معلومشان شد که حتی با بهائیان صاحب نظر بحث و مذاقه رسمی در باره ایجاد یک دار الانشاء بین المللی بیفایده حتی مضر است. لهذا حضرت ولی امرالله ناچار کارهای خطیری را که به عهده داشتند، شخصاً به پیش بردند. نسل کنونی نمیتواند درک کند که حضرت شوقی افندی تا چه حدی یگه و تنها بودند. آن قدری هم که حال به فهم ما میرسد، تصورش بسیار دردناک و غم انگیز است. در اول کار، بسی امیدوار بودند که افراد عائله حضرت عبدالبهاء که به واسطه اصل و نسب، مورد احترام همه بهائیان بودند، ایشان را در اجراء مقاصد الواح وصایا که با قلمی بسیار روشن و مؤثر نوشته شده بود، مشتاقانه مساعدت خواهند نمود.... با گذشت زمان، با کمال تأسف، ثابت شد که این نفوس یکی پس از دیگری، از مساعدت حضرت ولی امرالله دست شسته در اجراء وظائف خود اهمال ورزیدند و از آن بدتر ملاحظه فرمود که خویشان مذکور، اختیاراتی را که به وضوح تمام در الواح وصایا تصریح شده بود، دست کم میگیرند. آنان چنین می پنداشتند که رهبری آئین بهائی امری است خانوادگی و به نظرات افراد باتجربه که خود را صاحب نظر می دانستند، اهمیت و اعتبار شایانی باید داد. لهذا مقاومت و ناسازگاری اولیه فرزندان و نوادگان حضرت عبدالبهاء، به زودی به جایی رسید که به خود اجازه دادند که با مقام

مُبیین منصوصش به مخالفت برخیزند و از او امرش سرپیچی نمایند. سالیانی دراز حضرت شوقی ربانی حفظ امرالله را در این ملاحظه فرمود، که درباره انحطاط افراد عائله مبارکه، اظهاری نفرماید. اما چون اعمال آن نفوس علنی گردید و حتی با بیشرمی با گروه ناقضینی که حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا به آنان با اندازات شدیدی خطاب فرمود، مرتبط شدند و حتی با خانواده ای از دشمنان امرالله همکاری، حتی ازدواج نمودند. آن وقت بود که حضرت ولی امرالله ناچار کیفیت خطا و قُصُورشان را به عالم بهائی اعلان فرمود.

ص ۴۰ قرن انوار

۶- زندگی حضرت شوقی افندی

حضرت شوقی افندی به مدت ۳۶ سال، از ۱۳۰۰ سال ه.ش. (۱۹۲۱ میلادی) تا هنگام درگذشتشان در سال ۱۳۳۶ ه.ش. (۱۹۵۷ میلادی)، به طور کامل خود را غرق در وظیفه‌ای نمودند که به عنوان ولی امر بهائی به ایشان سپرده شده بود. راهنمایی‌های ایشان، تکامل و رشد جامعه بهائی را در سراسر عالم در مرحله حیاتی توسعه‌اش تضمین نمود. نَسَب حضرت شوقی افندی به خاندان حضرت بهاءالله و حضرت باب هر دو می‌رسد و ایشان هنگامی در عکا دیده به جهان گشودند که پدربزرگشان، حضرت عبدالبهاء، هنوز در زندان بودند. از ابتدای کودکی، ایمان قوی و وفاداری عمیق به پدربزرگشان، الهام‌بخش کوچک‌ترین اعمال و حرکات ایشان بود و علاقه و اشتیاق ایشان برای تسلط کامل به زبان انگلیسی نیز، جهت خدمت به حضرت عبدالبهاء به عنوان منشی و مترجم بود. در راستای همین هدف بود که در بهار ۱۲۹۹ ه.ش. (۱۹۲۰ میلادی) عازم دانشگاه آکسفورد شدند و به پرورش بیشتر تسلط شگفت‌انگیزشان بر زبان انگلیسی پرداختند.

درگذشت حضرت عبدالبها در آذر ۱۳۰۰ ه.ش. (نوامبر ۱۹۲۱ میلادی)، لطمه شدیدی بر حضرت شوقی افندی وارد نمود. در این حالت غم و اندوه شدید بود که اطلاع یافتند حضرت عبدالبهاء در الواح وصایای خود، ایشان را به عنوان ولی امر بهائی منصوب کرده‌اند. حضرت شوقی افندی با وجود اندوه و پریشانی، با تمام قوا عهده‌دار مسئولیت‌های سنگین‌شان شدند و قدم در راه عملی‌سازی مندرجات آثاری نهادند که از آن‌ها با عنوان سه «منشور» دیانت بهائی یاد می‌کردند: لوح کرم‌ل حضرت بهاء‌الله که حاوی اوامر ایشان درباره توسعه مرکز جهانی بهائی در ارض اقدس است، الواح وصایای حضرت عبدالبهاء که چارچوبی برای تکامل اداری بهائی، طرح می‌نماید و الواح نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء که حاوی رهنمون‌هایی برای گسترش جامعه بهائی در سطح جهانی است. با درگذشت حضرت عبدالبهاء، آئین بهائی وارد مرحله جدیدی از رشد خود شد. دورانی که حضرت شوقی افندی آن را «عصر رسولی» می‌نامیدند سپری شده و «عصر تکوین» دیانت بهائی فرارسیده بود. جایگاه خود ایشان به عنوان ولی امر، عملکرد و رویه‌ای بسیار متفاوت با نحوه رهبری حضرت عبدالبهاء اقتضا می‌کرد. در سال ۱۳۱۶ ه.ش. (۱۹۳۷ میلادی)، حضرت شوقی افندی با بانو مری مکسول اهل مونترال کانادا، که بعدها میان بهائیان با عنوان امه البهاء روحیه خانم شناخته شدند، ازدواج نمودند. حضرت ولی امرالله سال‌ها بعد در پیامی خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان کانادا، ایشان را با این کلمات توصیف می‌کنند: «یاور من، جان‌پناه من ... و همکار خستگی‌ناپذیرم در وظائف طاقت‌فرسائی که بر دوش دارم.»

۷- بحران و پیروزی

حضرت شوقی افندی در طول دورهٔ قیادت‌شان جامعهٔ بهائی را در مواجهه با چالش‌های بی‌شماری هدایت کردند: بهائیان آلمان تحت حکومت نازی مورد آزار و اذیت قرار گرفتند؛ تعدادی از بهائیان در ترکیه بازداشت و بازجویی شدند؛ جامعهٔ بسیار توسعه‌یافتهٔ عشق‌آباد، در اثر آزار و اذیت مداوم مقامات شوروی در دهه‌های ۱۳۰۰ و ۱۳۱۰ ه.ش. (۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ میلادی) پراکنده شد، در ایران مخالفت‌های بیشتری با آئین بهائی آغاز شد؛ خانهٔ حضرت بهاء‌الله در بغداد مصادره گردید و بازگرفتن آن ممکن نبود.

حضرت شوقی افندی با آرامش و بصیرتی مخصوص به خود، در هر بحرانی که پیش روی بهائیان قرار می‌گرفت، پیروزی بالقوه را مشاهده می‌کردند. به عنوان نمونه، چند دادگاه در مصر احکامی صادر کردند که اگر چه در ظاهر نامطلوب به نظر می‌رسید، اما توسط حضرت شوقی افندی به عنوان پذیرش ماهیت مستقل دیانت بهائی، مورد استقبال قرار گرفت. ایشان در همان حین که جامعه را جهت اقدام در دادگاه‌های ملی و در عرصهٔ بین‌المللی برای دفاع از حقوق اساسی انسانی خود یاری می‌کردند، به بهائیان می‌آموختند تا مشکلات و سختی‌ها را به عنوان فرصت‌هایی برای به پیش بردن دیانت بهائی در نظر گیرند.

سایت آئین بهائی

۸- هدایت‌ها و ترجمه‌ها

حضرت شوقی افندی با اختیار و توانایی که حضرت عبدالبهاء در ایشان به عنوان تنها مفسر رسمی آثار بهائی به ودیعه گذاشته بودند، وقایع عالم را در پرتو آثار بهائی بررسی نموده و نتایج این تجزیه و تحلیل‌ها را در قالب نامه‌هایی (توقیعاتی) با جامعه بهائی در میان می‌گذاشتند... حضرت شوقی افندی هدایت‌ها، رهنمودهای الهام‌بخش و تشویق‌های خود را در قالب ۲۶۰۰۰ نامه و هزاران تلگراف در اختیار افراد، گروه‌ها و مؤسسات بهائی قرار دادند. حدود نیمی از این نامه‌ها به زبان‌های فارسی و عربی نگارش یافته است. حضرت شوقی افندی موضوعات و مفاهیم بی‌شماری از جمله، احکام و حقایق بنیادی امر را با زبانی بسیار زیبا و توانا روشن نمودند؛ برجسته‌ترین ویژگی‌های وظایف بیت العدل اعظم را شرح دادند؛ مراحل مورد نیاز برای انتخابات و عملکرد محافل محلی و ملی را مشخص و وظائف افراد بهائی را تعیین نمودند.

برخی از نامه‌های ایشان، حجمی به اندازه یک کتاب دارند. مجموعه‌های متعددی از مهم‌ترین این نامه‌ها و پیام‌ها گردآوری شده است. حضرت ولی امرالله در سلسله‌ای از هفت توقیع که بین سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۴ ه.ش. (۱۹۲۹ تا ۱۹۳۶ میلادی) نگاشته شده و در مجموعه‌ای تحت عنوان نظم جهانی حضرت بهاءالله گردآوری شده است، مبانی و حقایق بنیادین دیانت بهائی را شرح داده، به کاوش در رسالت این دیانت در عالم می‌پردازند،...

ایشان در توقیع دیگری که در ۴ دی ۱۳۱۷ ه.ش. (۲۵ دسامبر ۱۹۳۸ میلادی) تحت عنوان «ظهور عدل الهی» به انتشار رسید، بهائیان را به انسجام و همخوانی در باور و گفتار و حسن رفتار که برای اجرای وظایفشان ضروری است، فراخواندند. سه سال بعد، زمانی که جنگ و درگیری عالم را فراگرفت، توقیعی با عنوان روز موعود فرارسید (۸ فروردین ۱۳۲۰ ه.ش.، ۲۸ مارس ۱۹۴۱ میلادی) از ایشان انتشار یافت که در آن بهائیان را در مورد علت پیدایش آشفتگی‌هایی که بشریت تحمل می‌نماید و نتیجه و لزوم آن‌ها، قوت قلب بخشیدند.

قرن بدیع

در اوایل دهه ۱۳۲۰ ه.ش. (۱۹۴۰ میلادی) حضرت شوقی افندی توجه خود را متمرکز در وقایع تاریخ دیانت بهائی نمودند و در سال ۱۳۲۳ ه.ش. (۱۹۴۴ میلادی) در بزرگداشت صدمین سال اعلان امر حضرت باب، کتاب «قرن بدیع» را به انتشار رساندند که شامل بررسی بسیار دقیق ایشان از وقایع کل قرن، از اعلان رسالت حضرت باب تا تکمیل اولین «نقشه هفت ساله» است..

ترجمه‌ها

حضرت شوقی افندی مترجم اصلی آثار بهائی به شمار می‌روند. ایشان زبان انگلیسی را از خردسالی آموخته بودند و در جوانی مطالعات خود را در دانشگاه آمریکایی بیروت و سپس دانشگاه آکسفورد ادامه دادند... تسلط فوق‌العاده حضرت ولی‌ام‌الله بر زبان و انتخاب دقیق و موشکافانه واژگان، معیاری برای همه مترجمان بهائی تعیین نمود. ایشان آثار اصلی حضرت بهاء‌الله همچون کلمات مکنونه (۱۳۰۸ ه.ش.، ۱۹۲۹ میلادی)، کتاب ایقان (۱۳۱۰ ه.ش.، ۱۹۱۰ میلادی) و لوح ابن ذئب (۱۳۲۰ ه.ش.، ۱۹۴۰ میلادی) را به انگلیسی ترجمه نمودند و گزیده‌هایی از آن آثار و سایر متون بنیادی را در مجموعه‌هایی همچون منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله (۱۳۱۴ ه.ش.، ۱۹۳۵ میلادی) و ادعیه و مناجات‌های حضرت بهاء‌الله (۱۳۱۷ ه.ش.، ۱۹۳۸ میلادی) تنظیم نمودند. به علاوه، ایشان تعداد بی‌شماری از مناجات‌ها و بیانات حضرت بهاء‌الله، حضرت باب و حضرت عبدالبهاء را ترجمه و در نامه‌های خود از آن‌ها استفاده نمودند. حضرت شوقی افندی، همچنین روایت معتبری از تاریخ سال‌های اولیه امر به نام «مطالع الانوار» را به زبان انگلیسی بازآفرینی کردند (۱۳۱۱ ه.ش.، ۱۹۳۲ میلادی)

۹- اقدامات و فعالیتهای حضرت شوقی ربانی (قسمت اول)

اول: رشد و توسعه فیزیکی اماکن مقدسه بهائی در اراضی مقدسه: در دوران حیات حضرت بهاءالله ایشان امر فرمودند که عرش مطهر حضرت باب که در شهر تبریز تیرباران شده بود به اراضی مقدسه منتقل و در فراز کوه کرمل به خاک سپرده شود و زیارتگاهی مناسب شأن و مقام مبشر این آئین ساخته گردد. حضرت بهاءالله در آثار خود از جمله در لوحی که به لوح کرمل مشهور است جریان توسعه و تحکیم دوائر تأسیسات بهائی و مرکز بین المللی اداری آن را که بایستی در پیرامون مرکز روحانی آن احداث شود به دقت پیش بینی فرمودند... حضرت شوقی ربانی با ابتیاع زمین ها و تأسیس باغهای مصفا و احداث ساختمانها از جمله ساختمان دارالآثار که محفظه نگهداری آثار مقدسه بهائی می باشد و همچنین طراحی نقشه ای برای تأسیساتی که در آینده مقر مؤسسات بهائی خواهد شد، این نقشه الهی را مطابق وعود و بشارات لوح کرمل به پیش بردند... حضرت ولی امرالله بانوغ ذاتی خود و با کوشش و مجاهدتی توان فرسا مسئولیت پیشبرد این معاهد و دوائر را به تنهایی برعهده گرفتند. تمام جنبه های مختلف این پروژه عظیم از نظارت بر طراحی و مهندسی تا جنبه های حقوقی و اداری زیر نظر مستقیم ایشان به پیش رفت و آنچه که پایه ریختند راهنما و مدلی شد که مطابق آن تمام طرحهای بعدی، تمام خلاقیت های آینده، از درون آن زائیده شد.

دوم: اجرا و تنفیذ الواح وصایا:

دومین اقدام حضرت شوقی ربانی به اجراء و تنفیذ الواح وصایا و یا وصیت نامه حضرت عبدالبهاء مربوط می شود. حضرت عبدالبهاء در این الواح که سندیست بی نظیر در تاریخ ادیان، اساس نظم بهائی را بر دو رکن استوار می فرمایند: رکن اول ولی امر که مصدر ربیبین

است و رکن دوم بیت العدل اعظم که مرجع تشریح است.. هدف مشترک و اساسی این دو مؤسسه آنست که همواره سلطه و اختیاراتی را که من جانب الله بوده و از نفس مظهر ظهور سرچشمه گرفته است حفظ نماید، وحدت پیروان آئینش را محفوظ دارد، اصالت و جامعیت تعالیمش را صیانت کند، و به مقتضای زمان قوانین غیرمنصوصه را تشریح نماید. حضرت شوقی ربانی در دوران رهبری جامعه یعنی از ۱۹۲۱ تا ۱۹۵۷ تمام تمهیدات لازمه را برای تشکیل بیت العدل اعظم بکار بردند. ایشان وصیت نامه ای از خود بجا گذاشتند و اولادی نیز نداشتند و تعیین جانشین امکان پذیر نبود. اما با تشکیل مؤسسه ایادی امر و توسعه ارکان نظم اداری بهائی و ایجاد محافل ملی و توسعه و گسترش مرکز جهانی بهائی و تبیینات و تشریحات خود مبنای رفیع البنیانی را بجا گذاشتند که جامعه را- پس از صعود ایشان در سال ۱۹۵۷- هدایت کرد و ثمرات آن در سال ۱۹۶۳ در خاتمه نقشه جهانی روحانی دهساله، با تشکیل بیت العدل اعظم به نتیجه مطلوب رسید.

۱۰- اقدامات و فعالیتهای حضرت شوقی ربانی (قسمت دوم)

سوم: تحکیم محافل روحانی در سراسر عالم:

سومین مجموعه اقدامات و خدمات حضرت شوقی ربانی که همگام با اقدامات دوم به پیش رفت پیشرفت و تحکیم مؤسسات انتخابی بهائی در کشورهای مختلف عالم بود که به محافل روحانی موسومند. طرح محافل روحانی در آثار حضرت بهاء الله تأسیس و اقدامات اولیه آن در زمان حضرت عبدالبهاء پیاده شد. این شوراها انتخابی که اعضای آن بالغ بر ۹ نفر می شوند در هر شهر و قریه به انتخاب سری و آزاد بهائیان آن دیار، تشکیل می گردند و مسئولیت اداره امور جامعه را برعهده دارند.

هرگاه که تعداد محافل روحانی محلی به تعداد مناسب رسد، در آن مملکت شورائی در سطح ملی انتخاب می شود که به محفل روحانی ملی موسوم است ... در دوره حضرت باب، پیروانشان فقط در دو مملکت ایران و عراق حضور داشتند. در دوران حضرت بهاء الله حوزه جامعه بهائی به سیزده کشور دیگر رسید و در دوران حضرت عبدالبهاء امر بهائی در ۲۰ مملکت دیگر، مستقر شد. اما در زمان درگذشت حضرت شوقی ربانی در نوامبر ۱۹۵۷ بیشتر از ۱۰۰۰ محفل روحانی محلی تشکیل و تعداد محافل روحانی ملی به ۲۶ رسیده بود... با هدایت ایشان مراکز بهائی که به حظائر قدس موسومند در نقاط مختلف عالم تأسیس شد. مشرق الاذکار و یا معبد بزرگ بهائی را در شیکاگو که سنگ زاویه آن توسط حضرت عبدالبهاء گذاشته شده بود، به پایان رساندند و مقدمات تأسیس دو معبد بهائی را در آفریقا و استرالیا پایه گذاری کردند... در دوران حضرت ولی امرالله روابط جامعه بهائی با سازمان ملل گسترش پیدا کرد و این جامعه به عنوان یک سازمان غیر دولتی به رسمیت شناخته شد... در همین دوران ماری ملکه رومانی اولین زمامدار عالم رسماً به آئین

بهائی ایمان آورد و ایمان خود را به حضرت بهاء‌الله و نیز رسالت حضرت محمد در هفت
بیانیه اعلام داشت...

چهارم: تبیین آثار بهائی:

اقدام چهارم حضرت شوقی ربانی مربوط به وظیفه ای میشود که در الواح و صایای حضرت
عبدالبهاء به عنوان مبین آثار مقدسه بهائی به ایشان تفویض گشته بود. در این مقام ایشان
وظیفه داشتند که به تشریح و توضیح معانی مخزونه در این آثار پردازند و کاربرد آنها را در
حیات فردی و جمعی جامعه مشخص سازند، به سئوالات بهائیان در مسائل عقیدتی و
شرعی پاسخ دهند و اهداف این آئین را چه برای مؤمنان آن و چه برای جهان خارج روشن
سازند... در شرح حالی که خانم ایشان نوشته اند نقش تاریخی حضرت شوقی ربانی را در
آئین بهائی چنین توصیف می فرمایند: "در تمام مدت تاریخ امر، این وجود نازنین فرید و
وحید است زیرا کمتر کسی را می یابید که در ثلث قرن این قدر نقشه های کار و عمل را
ابداع فرموده و به کار انداخته باشد... اوست که اساس جامعه جهانی بهائی را بر طبق اراده
حضرت بهاء‌الله و نقشه حضرت عبدالبهاء مرکز عهد و میثاق، شالوده ریزی و تأسیس
فرمود و چنان به نقطه اعلی رسانید و جمیع مراتب آن را مکمل فرمود که، جامعه بهائی را
صحیح و سالم به دست بازماندگان خود سپرد."

۱۱- مراسم تشییع رمس مبارک به قلم ایادی امرالله یوگو جیاگری

روز دوشنبه ۴ نوامبر ۱۹۵۷ ساعت ۲:۱۵ صدای روحیه خانم را (از پشت تلفن) شنیدم که از لندن تلفن میکردند: "حضرت ولی امرالله صعود فرموده اند."

"شنبه ۹ نوامبر تشییع رمس مبارک انجام شد"

کاملاً سکوت برقرار میباشد. فراموشی چیزی است که انسان مایل است داشته باشد. من با خودم مرتب تکرار میکردم که این حقیقت ندارد. این فقط خواب بدی است که باید فراموش کنم. یک باره صدای مناجات جناب فیضی محکم ولی مخلوط با احساس عمیق پخش شد. صلوات میت از حضرت بهاءالله می باشد که ناله و التماس ما بود. من دیگر نمیتوانستم تحمل کنم. قلب من به حدّ از هم پاشیدگی میتپید. آیا خداوند به ما رحم خواهد کرد؟ ریتم مناجات بلند و کوتاه میشد. من کلمات عربی را درک نمیکنم ولی با تبدیل آن به زبان ایتالیائی تکرار میکنم. میخواهم به روح مولای خود نزدیک باشم. و تقریباً از محیط اطراف خود بی خبرم. مأمورین عرش مبارک را از نمازخانه به اتومبیل مخصوص حمل مینمایند ما به آرامی پیاده در حالی که جسم و روحمان غمگین و از هم پاشیده شده است، آنها را دنبال میکنیم. ما فقط چند دقیقه وقت داریم و زمین امانت خود را از ما، برای ابدیت خواهد گرفت... ما حال به مقبره مبارک رسیده ایم... داخل مقبره را با شاخه های سرو که با گلهایی تزئین شده، پوشانده بودند. آن لحظه اجتناب ناپذیر خدا حافظی نهائی، نزدیک میشد. تابوت مقدس را از اتومبیل، پائین آورده و در رأس مقبره مبارک قرار دادند. یک لحظه سکوت برقرار بود. و سپس مجدداً، ناله و گریه و زاری شروع شد... خیلی مشکل است راست بایستیم، هنگامی که وزن غم و غصه ما را پایین به طرف زمین، خم میکند، زمینی که ما را به وجود مقدسی که بیش از حد دوست داریم، نزدیکتر مینماید... یاران به زانو افتاده، با ناامیدی و غم، سرشان را بر رأس صندوق مبارک گذاشته و گریه میکردند. گلها، عطرها، گل سرخ، بوسه ها، اشکها، دعاها، التماسها، عهد کردنها و پیمان بستنها، هدیه هایی

بودند که در چنین جدایی و وداع تقدیم میشد... تمام احباء بیش از دو ساعت، در زیر قطره های باران ایستاده بودند برای ادای احترام و بزرگداشت وجود مقدسی که ۳۶ سال، تمام حیات خود را وقف آنها نمود و با عشق و محبت، هدایت و الهام آنان را یاری کرد تا بتوانند مافوق محدودیت بشری، قیام نمایند... روحیه خانم فرد آخری هستند که زانو زده و روکش سبز را روی صندوق مبارک، میکشند و روی آن در وسط، پارچه زرین آبی گلدوزی شده از روضه مبارکه حضرت بهاءالله را میگذارند... قبلاً قالیچه ای را که از داخل روضه مبارکه حضرت بهاءالله آورده اند، در کف مقبره گسترده بودند، که احساس وابستگی به خانواده را میداد، مثل گوشه ای از منزل، جزئی از ایران، یک نمونه ای از مهد امرالهی برای ثمره مساعی اعظم آن وجود مقدسی که (سالها پیش)، مجبور شد، سرزمین آباء و اجدادی خویش را ترک کند و هرگز دیگر آن را نبیند.

دست بی رحم زمان باز مشغول است. عرش اطهر به آخرین محل آرامش ابدی، پائین آورده شده است. آخرین مرحله از سفر نهائی، گریه و ناله باز شنیده میشود. این بار غیر قابل کنترل و جانگداز میباشد. چه کسی حال قادر است که ما را تسلیت بدهد؟